

## رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی

زهرا مرتضوی<sup>۱</sup>

مجتبی امیری مجذ<sup>۲\*</sup>

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان دبستانی دختر و پسر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ و نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از دانش آموزان شهر تهران که بهصورت نمونه‌گیری خوش ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه شخصیتی نئو ( NEO-ffi-60 ) مک کرا و کاستا ( ۱۹۸۷ )، پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری توسط باومریند ( ۱۹۷۲ ) و پرسشنامه پرخاشگری باس و پری ( ۱۹۹۲ ) بود. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی ساده پیرسون و رگرسیون چندمتغیره با رویکرد سلسه مراتبی استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که، از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل گیرانه بهصورت مثبت و سبک دموکراتیک بهصورت منفی پرخاشگری کودکان دبستانی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان رنجور خوبی بهصورت مثبت و برونقرایی و توافق پذیری بهصورت منفی پرخاشگری کودکان دبستانی را پیش‌بینی می‌کند.

کلمات کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های فرزند پروری، پرخاشگری

۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوین زهرا، گروه روان‌شناسی، بوین زهرا، ایران.

۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، گروه روان‌شناسی، ابهر، ایران. نویسنده مسئول: Amirimajd@abharau.ac.ir

## مقدمه

شخصیت<sup>۱</sup> را شاید بتوان اساسی‌ترین موضوع علم روانشناسی دانست، زیرا محورهای اساسی بحث شخصیت در زمینه هایی مانند یادگیری، انگیزه، ادراک، تفکر، احساسات و عواطف است. مفهوم اصلی و اولیه شخصیت تصویری صوری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند ترسیم می‌شود، یعنی درواقع فرد به اجتماع خود شخصیتی ارائه می‌دهد که جامعه بر اساس آن، او را ارزیابی می‌کند (کریستوفرو<sup>۲</sup> همکاران، ۲۰۱۱).

روانشناسانی که در زمینه شخصیت صاحب‌نظرند بر این باور هستند که تفاوت‌های فردی را می‌توان بر پایه ویژگی‌های نسبتاً پایدار شخصیت که توسط خود فرد گزارش می‌شود، اندازه‌گیری نمود، علیرغم اینکه هر انسان در نوع خود رویدادی منحصر به فرد است، بین انسان‌ها و رویدادهای زندگی آن‌ها، آنقدر شباهت وجود دارد که بتوان نکات مشترکی را در نظر گرفت و روانشناسان شخصیت دقیقاً در پی درک همین الگوهای رفتار هستند (همتی، ۱۳۹۱). در عصری که ابزار غلبه بر دیگران و تخلیه خشم، از اسید و سلاح سرد و گرم به سلاح هسته‌ای رسیده است، رشد حتی یک فرد پرخاشگر، که قادر به همدلی با انسان‌ها و درک ارزش‌های انسانی نیست، می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. علی‌رغم تدبیر موجود، میزان خشونت در جامعه سیری فزاینده دارد. هر روز، شاهد بروز خشونت در خانه، کوچه، بازار، و مدرسه هستیم و یا اخباری در مورد آن می‌شنویم و حتی بسیاری از مردم، در زندگی روزمره خود، بارها خشونت را حس می‌کنند. این‌ها دلایل کافی برای نگرانی والدین و مسئولان آموزشی و اجتماعی، از شیوع و رواج خشونت در میان کودکان، است. همه‌ساله تعداد چشمگیری از افراد کم سن و سال، قربانی و یا درگیر خشونت‌های میان فردی می‌شوند. این خشونت‌ها نه تنها از سوی افراد بزرگسال بر کودکان اعمال می‌شود، بلکه در بسیاری موارد در میان خود کودکان و نوجوانان رخ می‌دهد و آسیب‌های فراوان جسمی و روحی را بر فرد وارد می‌کند که تأثیرات آن تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. (داهلبرگ، ۱۹۹۸).

خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. نوع برخوردهای خانواده با خواسته‌ها، نیازها و توانایی‌های فکری فرزندان عاملی اثربخش بر رشد و آینده فرزندان است و مهارت‌های مختلف اجتماعی و فردی در ابتدا از روابط مستقیم و تعامل دوطرفه کودک و مراقبین خواهد بود (کالینز و همکاران، ۲۰۰۰). سبک‌های تربیتی متفاوت پیامدهای متفاوتی بر فرزندان دارد. روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان متوجه شدند که شیوه‌های فرزند پروری بر ساختار رشد ذهنی و عقلی کودک، پیشرفت تحصیلی و بسیاری از جنبه‌های روان‌شناختی از جمله سبک تفکر فرزندان، سازگاری اجتماعی، مشکلات رفتاری نوجوانان مانند پرخاشگری روی آوردن به مواد مخدر و الکل و خود ارزشی مثبت و

1 Personality

2 Christoforou

احساس موقیت در کارها تأثیر فراوانی دارد(بالاتین، ۲۰۰۱). هدف تعلیم و تربیت چیزی جز تفکر نیست و در این بین تفکر بخشی از یادگیری است که با رشد افراد در ارتباط است و درنهایت به رشد جامعه کمک می‌کند. امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکردهای اساسی تعلیم و تربیت است(شروعتمداری، ۱۳۸۰). استرنبرگ(۱۹۴۵)، بیان می‌کند که سبک در تفکر، روش‌های ترجیحی برای استفاده از توانایی‌های شناختی هستند این سبک‌ها نشان می‌دهد که چگونه افراد دوست دارند توانایی‌های خویش را در زندگی روزمره به کار بگیرند. تحقیقات نشان می‌دهد که عدم تفکر صحیح در نوجوانان باعث بروز مشکلات مهم اجتماعی، فرهنگی و جسمی می‌شود.

پرخاشگری یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و یکی از دلایل مهم ارجاع دادن آنان به روان‌درمانگران است(سرخودسکی<sup>۱</sup>، کاسینوف<sup>۲</sup> و گرمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و مداخله به هنگام می‌تواند از ادامه این رفتار پیشگیری کند(گودوین<sup>۴</sup>، پیسی<sup>۵</sup>، گریس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). سال‌هاست که پژوهشگران به اهمیت پرخاشگری دوران کودکی در پیش‌بینی مشکلات سازگاری و روانی – اجتماعی آینده آن‌ها پی برده‌اند. پرخاشگری از جمله مشکلات رفتاری است که اگر به صورت افراطی درآید، بسیاری از مشکلات ارتباطی و اختلال‌های شخصیتی را موجب می‌شوند) همل<sup>۷</sup> (۲۰۱۳). با توجه به توضیحات فوق هدف کلی این پژوهش عبارت است از رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزند پروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی.

### روش شناسی

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش آموزان دبستانی دختر و پسر در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ در شهر تهران است. حجم جامعه ۲۴۲۲۱۰۵ نفر از دانش آموزان است، که از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوش‌های انتخاب شدند. در مطالعات همبستگی برای تعیین حداقل حجم نمونه موردنیاز از فرمول پلت(۲۰۰۰) استفاده می‌کنند. ابتدا شهر تهران به ۴ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب تقسیم شد و از هر منطقه پنج مدرسه(۵۰ نفر) وسیس از هر مدرسه‌ی انتخابی دو کلاس(جمعاً ۴۰ کلاس) و از هر کلاس ۵ نفر انتخاب شد.

1 Sukhodolsky

2 Kassinove

3 Gorman

4 Goodwin

5 Pacey

6 Grace

7 Heml

ابزارهای پژوهش: پرسشنامه پنج عاملی شخصیت: پرسشنامه استاندارد شخصیتی کاستا و مک کری(۱۹۹۲) شامل ۶۰ سؤال است. شاخصهای مورد بررسی شامل پنج عامل شخصیتی روان رنجورجویی<sup>۱</sup> با سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶، برونگرایی<sup>۲</sup> با سؤالات ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۷، گشودگی نسبت به تجربه<sup>۳</sup> با سؤالات ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳، ۵۸، توافق<sup>۴</sup> با سؤالات ۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۵۹ و وظیفه‌شناسی<sup>۵</sup> با سؤالات ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰) است که هر کدام از طرق ۱۲ گوی، اندازه‌گیری می‌شوند. تمامی گویه‌های این پرسشنامه، به صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت پاسخ داده می‌شوند و هر گویه، امتیازی بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد. پایایی پرسشنامه به وسیله ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش کاستا و مک کری آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ را نشان داده شده است(کاستا و مک کری، ۲۰۰۲). برای محاسبه پایایی با استفاده از روش ثبات درونی با آلفای کرونباخ، نشان داد که تنها عوامل روان‌رنجورخوبی و با وجود آن (وظیفه‌شناسی) در تمام آزمودنی‌ها، ثبات درونی قابل قبول دارند (یعنی بزرگ‌تر از ۰/۷۰) که البته آلفای کرون باخ عوامل برونگرایی و مقبولیت(توافق پذیری) نیز، از سطح توصیه شده برای مقایسه‌های گروهی بالاتر است (یعنی بزرگ‌تر از ۰/۵۰). بنابراین تنها عامل مقبولیت(توافق پذیری) قادر ثبات درونی قابل قبول است(روشن چسلی، شعیری، عطری فرد، نیک‌خواه، قائم‌مقامی و رحیمی راد، ۱۳۸۵). در بررسی همسانی درونی پرسشنامه پنج عاملی با استفاده از آلفای کرونباخ در خارج کشور برای مؤلفه‌های پنج‌گانه ضریب آلفای بین ۰/۷۵ تا ۰/۹۱ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه است(دتریک و چینیال، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد کرج از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب برای پنج عامل شخصیتی روان رنجورخوبی ۰/۵۸۳، برونگرایی ۰/۶۶۴، گشودگی نسبت به تجربه ۰/۷۱۰، توافق‌پذیری ۰/۷۵۵ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۲۲ به دست آمد.

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری: نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصوصت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) موردازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس است، که عبارت است از پرخاشگری بدنی (PA)، پرخاشگری کلامی (VA)، خشم (A)، و خصوصت (H)، آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از: کاملاً شبیه من است (۵)، تا حدودی شبیه من

<sup>1</sup> neuroticism<sup>2</sup> extraversion<sup>3</sup> agreeableness<sup>4</sup> conscientiousness<sup>5</sup> openness<sup>6</sup> Detrick & Chibnall

است(۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳)، تا حدودی شبیه من نیست (۲)، تا بهشدت شبیه من نیست (۱). دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیرمقیاس‌ها به دست می‌آید. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب باز آزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصوصت ۰/۸۰ بود. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب باز آزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ به دست آمده است. و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ به دست آمده است.

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری والدین: پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری توسط باومریند(۱۹۷۲؛ به نقل از گنجی، رهنما نمین و پاشا شریفی، ۱۳۹۳) ساخته شده است و شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه و ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. شیوه نمره‌گذاری از ۵ تا ۱ بوده و با جمع نمرات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا به دست می‌آید و نمره مربوط به هر شیوه که بیشتر باشد شیوه فرزند پروری در نظر گرفته می‌شود. روایی صوری آن تائید شد و پایایی آن را با روش باز آزمایی برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، مستبدانه ۰/۷۷، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آورد (کردناقابی، سیف و کریمی، ۱۳۸۷). در پژوهش جعفری آذر(۱۳۹۵) روایی و پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. در روایی هم‌زمان ضریب همبستگی بین میانگین ۲۹ سؤال اول و با سؤال ۳۰ مقدار ۰/۸۱ به دست آمد و در بررسی روایی محتوا روایی کل سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری ۰/۸۶ محاسبه شد. برای بررسی پایایی آزمون از روش همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرون باخ استفاده شد که ضریب آلفای برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۷۰، مستبدانه ۰/۷۶، و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۳ به دست آمده است.

## یافته ها

۱۱۱ نفر از شرکت کنندگان (۵۵/۵ درصد) دختر و ۹۹ نفر از آنان (۴۴/۵ درصد) پسر، ۹۳ نفر از فرزندان (۴۶/۵ درصد) ۱۰ سال، ۵۹ نفر از آنان (۲۹/۵ درصد) ۱۱ سال و ۴۸ نفر از آنان (۲۴ درصد) ۱۲ سال داشتند.

فرضیه های پژوهش به قرار زیر می باشند:

فرضیه اول: سبک های فرزندپروری (سهل گیرانه، دیکتاتور و دموکرات) مادران پرخاشگری فرزندان را پیش بینی می کند.

فرضیه دوم: ویژگی های شخصیتی (روان رنجور خوبی، بروونگرایی، گشودگی، توافق پذیری و وظیفه شناسی) مادران پرخاشگری فرزندان را پیش بینی می کند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱. شخصیت مادر-	روان رنجور	خوبی						
	-	-	-	-	-	-	-	-
۲. شخصیت مادر-	برونگرایی							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۳. شخصیت مادر-	گشودگی							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۴. شخصیت مادر-	توافق پذیری							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۵. شخصیت مادر-	وظیفه شناسی							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۶. فرزند پروری-	سهل گیر							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۷. فرزند پروری-	دیکتاتور							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۸. فرزند پروری-	دموکرات							
	-	-	-	-	-	-	-	-
۹. پرخاشگری فرزند								
	-	-	-	-	-	-	-	-

\*P < 0/05 · \*\*P < 0/01

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، ویژگی‌های توافق پذیری و برونقراطی مادران به صورت منفی و در سطح ۰/۰۱ با پرخاشگری فرزندان همبسته‌اند. صفت روان رنجور خوبی مادران به صورت مثبت و در سطح ۰/۰۱ با پرخاشگری فرزندان همبسته بود. همچنین سبک فرزند پروری سهل گیرانه به صورت مثبت و سبک فرزند پروری دموکرات به صورت منفی با پرخاشگری فرزندان همبسته بود.

جدول ۲. رگرسیون چند متغیری سلسله مراتبی در پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان بر اساس سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی مادران

متغیرهای معناداری	b	SE	$\beta$	t	R <sup>2</sup> =۰/۱۵۵ و adjR <sup>2</sup> =۰/۱۴۲	F(۳، ۱۹۶)=۱۲/۰۱۸، P<۰/۰۰۱
گام اول (فرزندهای پروری)						
سهل گیر	۰/۴۳۰	۰/۱۲۰	۰/۲۶۱	۳/۵۸۶	۰/۰۰۱	
دیکتاטור	۰/۰۰۴	۰/۱۲۸	۰/۰۰۳	۰/۰۳۳	۰/۹۷۴	
دموکرات	-۰/۴۸۷	۰/۱۲۵	-۰/۲۸۳	-۳/۹۰۲	۰/۰۰۱	
گام دوم (ویژگی‌های شخصیتی)						
روان رنجور خوبی	۰/۵۰۹	۰/۱۱۷	۰/۲۸۴	۴/۳۴۹	۰/۰۰۱	
برونگراطی	-۰/۵۱۲	۰/۱۰۷	-۰/۳۴۳	-۴/۷۸۳	۰/۰۰۱	
گشودگی	۰/۰۷۸	۰/۱۱۵	۰/۰۴۱	۰/۶۶۴	۰/۵۰۷	
توافق پذیری	-۰/۳۶۱	۰/۰۹۸	-۰/۲۴۱	-۳/۶۷۱	۰/۰۰۱	
وظیفه‌شناسی	۰/۰۹۹	۰/۱۰۳	۰/۰۶۷	۰/۹۶۰	۰/۳۳۸	
$\Delta R^2=۰/۱۹۱$ و adj $R^2=۰/۲۹۷$ F(۸، ۱۹۱)=۱۱/۴۸۹، P<۰/۰۰۱						
$\Delta F=۹/۵۹۲$ ، P=۰/۰۰۱						

جدول (۲) نشان می‌دهد، سبک‌های فرزند پروری که در گام اول وارد معادله پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان شد، در سطح معناداری ۰/۰۱ آن را پیش‌بینی نمود (۰/۰۱ < p = ۱۲/۰۱۸ = ۱۹۶,۳) (F). بررسی محدود همبستگی چندگانه به دست آمده نشان داد که ارزش ضریب همبستگی‌های چندگانه ( $R^2$ ) برابر با ۰/۱۵۵ است. این موضوع نشان می‌دهد که سبک‌های فرزند پروری مادران ۱۵/۵ درصد از واریانس پرخاشگری فرزندان را تبیین نموده است. بررسی ضرایب رگرسیون نشان داد که از بین سبک‌های فرزند پروری، ضرایب رگرسیون مربوط به سبک سهل گیرانه (۰/۰۱ < p = ۰/۲۶۱) و سبک دموکرات (۰/۰۱ < p = ۰/۲۸۳) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بدین ترتیب در آزمون فرضیه اول چنین نتیجه گیری شد که از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

بر اساس نتایج جدول (۲)، با ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران به معادله پیش‌بینی پرخاشگری فرزندان در گام دوم، ارزش  $R^2$  به  $0.325$  رسید. این یافته بدان معناست که ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران به معادله پیش‌بینی، باعث شده تا  $32/5$  درصد از واریانس پرخاشگری فرزندان تبیین شود. ارزش تغییرات  $R^2$  ( $\Delta R^2$ ) برابر با  $0.191$  بود. این یافته بدان معناست که با ورود ویژگی‌های شخصیتی مادران در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر سبک‌های فرزند پروری، مقدار واریانس تبیین شده پرخاشگری فرزندان  $19/1$  درصد افزایش یافته است که به لحاظ آماری در سطح  $0.01$  معنادار است ( $\Delta F = 9.592$ ,  $P < 0.01$ ). بررسی ضرایب رگرسیون نیز نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران روان رنجور خوبی ( $\beta = 0.284$ ,  $p < 0.01$ ) به صورت مثبت، بروزنگرایی ( $\beta = -0.343$ ,  $p < 0.01$ ) و توافق پذیری ( $\beta = -0.241$ ,  $p < 0.01$ ) به صورت منفی و در سطح معناداری  $0.01$  پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. بدین ترتیب در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه‌گیری شد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و بروزنگرایی و توافق پذیری به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

### نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه به دست آمده با تحقیقات، حسینی (۱۳۹۴)، سجادی (۱۳۹۲)، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۰)، بلسکی و همکاران (۲۰۱۴)، گانتی و بوری (۲۰۰۸)، ماش و باربر ۱ (۲۰۰۸) که نتیجه گرفتند: از بین سبک‌های فرزند پروری، سبک سهل گیرانه به صورت مثبت و سبک دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. پس می‌توان گفت که، هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزند پروری نامیده می‌شود متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و معنوی می‌باشد. والدینی که سبک سهل گیرانه دارند، هدایا و مزایا و امتیازات زیادی را بر سر کودک می‌ریزنند ولی توجهی به نیازهای اصلی او ندارند. کودک در چنین محیطی کسل و بی‌تفاوت است و ابتکار و خود مشکل خودش باشد شروع دست می‌دهد؛ و به خاطر همین در بسیاری مواقع شروع که ناکام می‌شود و باید به دنبال حل مشکل خودش باشد شروع به پرخاشگری می‌کند. از نظر اریکسون، هدف عمدۀ فرزند پروری والدین باید پرورش خودمنختاری کودک باشد ولی در سبک فرزند پروری سهل گیرانه این مهم از کودک گفته می‌شود و کودک لوس و کسل و بی‌تفات نسبت به همه‌چیز

می‌باشد. همچنین در این فرضیه تعیین شد که سبک فرزند پروری دموکرات به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این می‌توان نوشت که در سبک دمکراتیک، والدین در این سبک منحصر به فرد بودن کودک را قبول دارند. احساس عمیق احترام و مساوات را به او عرضه می‌کنند. کودک را تشویق می‌کنند که خطای خود را تصحیح کرده و توانایی‌های خود را گسترش دهد، کودک را راهنمایی می‌کنند تا اهمیت همکاری را دریابد. چنین کودکانی با سبک فرزند پروری به ندرت پرخاشگری می‌کنند؛ و همچنین با توجه به نتایج تعیین شد که از بین ویژگی‌های شخصیتی مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و برونقراحتی و توافق پذیری به صورت منفی و معنادار پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتیجه به دست آمده با تحقیقات، مسعودیان (۱۳۹۴)، مظفری (۱۳۸۹)، هوانگ (۲۰۱۵)، یولاك و همکاران (۲۰۱۴)، ویدزو همکاران (۲۰۱۳)، رات و همکاران (۲۰۱۲) که نتیجه گرفتند که از بین صفات شخصیت مادران، روان رنجور خوبی به صورت مثبت و برونقراحتی و توافق پذیری به صورت منفی و معنادار پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. پس می‌توان گفت که، روان رنجور خوبی به توانایی فرد در تحمل استرس و به شدت تعلق فرد به یک گروه خاص و تعصب داشتن در این امر که به خشم، کینه و رفتارهای تکانشی و آسیب‌پذیری از استرس مربوط است و شامل نگرش‌های ضداجتماعی، رفتارهای بزهکارانه، قانون‌شکنی، تعارضات خانوادگی و زناشویی، بی‌اعتنایی به دیگران، نداشتن بلوغ شخصیتی، تأکید اغراق‌آمیز بر ویژگی‌های مردانه، خصومت و عصیانیت، بی‌مسئولیتی، روابط اجتماعی سطحی، خودمحوری و نزاع با مقامات قانونی است. پس می‌توان نتیجه گرفت که مادران دارای چنین صفات شخصیتی، نمی‌توانند با فرزندان خود ارتباط منطقی برقرار کنند و با طبع فرزندان آن‌ها آسیب اساسی خواهند دید؛ و در برابر ناکامی‌ها و مشکلات زندگی و اجتماعی دچار پرخاشگری خواهند شد.

همچنین نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی برونقراحتی و توافق پذیری به صورت منفی پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. ویژگی برونقراحتی خواهان هیجان‌های مثبت چون لذت، شادی و عشق هستند. برونقراحتی به خوش‌بینی از صفات اطلاق می‌شود و آن درجه‌ای است که شخص، پرانرژی، معاشرتی، جسور، فعال، هیجان‌طلب و دارای شور و شوق، دارای اعتماد به نفس و احساسات مثبت است. افراد برونقرا به اجتماعی بودن، احساسی بودن و صمیمی بودن تمایل دارند و معمولاً با افراد متفاوت بهتر کنار می‌آیند و همچنین بهترین و منطقی‌ترین رابطه ممکن را با فرزندان خود برقرار می‌کنند و به احتمال زیاد همین باعث می‌شود که فرزندان آن‌ها پرخاشگری کمتری داشته باشند. برونقراها با فرزندان خود گرم و صمیمی هستند.

محدودیت نوع پژوهش که به صورت مقطوعی انجام شده محدودیت‌هایی را در زمینه تفسیرها و اسناد علت شناسی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کنند که باید در نظر گرفته شوند. پژوهش فقط محدود به دانش آموزان شهر تهران هست،

بنابراین تعمیم آن به دانش آموزان سایر شهرها و جوامع دیگر با مشکل مواجه است. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی مشابه با این طرح پژوهشی، در مورد دانش آموزان سایر شهرها و مقطع‌های تحصیلی و اقسام دیگر به‌غیراز دانش آموزان و در نقاط دیگر کشور نیز صورت گیرد. میزان پرخاشگری در دانش آموزان را، با متغیرهای دیگری به‌غیراز ویژگی‌های شخصیتی والدین و سبک‌های فرزند پروری، نظری ذهن آگاهی، بهداشت روان، سلامت عمومی، سلامت روان، شادکامی، تاب‌آوری، رضایت از زندگی، جهت‌گیری زندگی و جز آن، موردنیجش و آزمون قرار گیرد. توجه به نقش سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی والدین، در پرخاشگری دانش آموزان، لازم است تا با آموزش‌های لازم به والدین، شرایطی فراهم نمود که آن‌ها بیشتر از پیش به سبک‌های فرزند پروری و شخصیت خودشان در ارتباط با کودکان خود اهمیت دهند. با توجه به نتیجه پژوهش حاضر که نشان داد سبک‌های فرزند پروری و ویژگی‌های شخصیتی والدین روی پرخاشگری دانش آموزان تأثیر دارد، لذا لازم است تا برای والدین دانش آموزان، کارگاه‌های سبک‌های فرزند پروری برگزار شود. باید والدین را با آموزش‌های لازم، مهارت‌های فرزند پروری آشنا نمود.

## منابع

- شریعتمداری، هدایت الله. (۱۳۸۰). روان‌شناسی اجتماعی (چاپ اول). تهران. آوای نور.
- همتی، آزاده. (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و دشواری‌های تنظیم هیجانی با هویت ورزشی در ورزشکاران شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- Buss, A. H. & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. Journal of Personality and Social Psychology, 63, 452-459.
- Christopher A. Magee and Patrick C.L. Heaven. (2011). "Big – five personality factors, obesity and 2 year weight gain Australian adults". Journal of research in personality. Vol. 45, Issue 3, PP. 332-335.
- Costa, P. T. Mccare, R. R. (2002). Pesined to mmeasure five majore deminsions or domainsof normal adult personality. Psychology assessment resource.inc.
- Dahlberg, L. (1998). "Youth Violence in the United States: Major Trends, Risk Factors and Approaches", American Journal of Preventive Medicine, No. 14.

## Relationship between personality traits and motherhood parenting styles with aggression among primary school children

Zahra Mortazavi<sup>1</sup>

Mojtaba Amiri Majd <sup>\*2</sup>

### Abstract

The aim of the present study was to investigate the relationship between personality traits and parenting styles in aged children. The research method was descriptive correlational. The statistical population of this study was all female and male students in the school year of 2012-2013. The sample consisted of 200 students from Tehran who were selected by cluster sampling. The research instruments were Neo-Personality Inventory (NEO-ffi-60), McCrae and Costa (1987), Bummin's Childbirth Practice Questionnaire (1972) and Bass and Perry's (1992) Aggression Questionnaire. Pearson correlation coefficient and multivariate regression using hierarchical approach were used to analyze the data. The results indicated that positive parenting style and child-friendly styles predict negative aggression among primary school children. Also, among the characteristics of the mothers' personalities, the neuroticism is positive and extroversion and negative agreement predicts the aggression of primary school children.

**Keywords :** Personality traits, Child-friendly styles , Aggression

---

1 MSc Clinical Psychology, Islamic Azad University, Boyin Zahra Unit, Department of Psychology, Bouinizhra, Iran.

2\* Associate Professor, Islamic Azad University, Abhar Unit, Department of Psychology, Abhar, Iran. Corresponding author:  
Amirimajd@abhariau.ac.ir